

مجموعه
۳۴۰

مجموعه

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

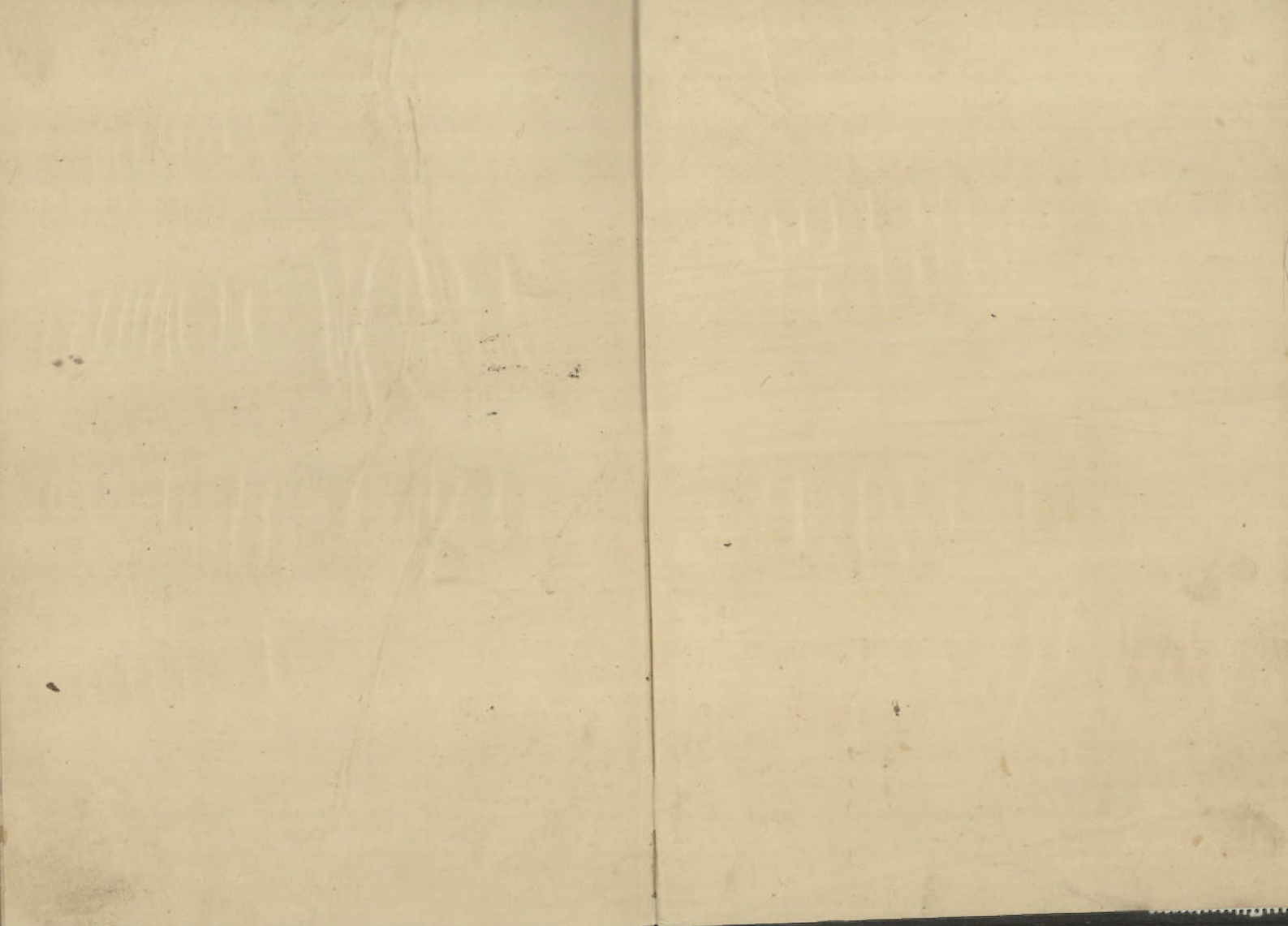


کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب: تاریخ قانون نظامیه		شماره ثبت کتاب
مؤلف: سپید لار اعظم		۴۴۷۰۴
موضوع		۵۳۶۷
شماره اختصاص: ۳۴۰ (از کتب خطی) اهدایی		
تیمار: سر لشکر مجید نیروز (ناصر الدوله) بکتابخانه مجلس شورای ملی		

خطی اهدائی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۳۴۰

۲۰۲۳



[illegible]

کتابخانه مجید نهر
احمدانی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

سواند علی شانه
کتبچه قانون نظامیه شمل بر دوش
باب اول در تکالیف دولت و آن شمل بر بخت

فصل اول

اولیای دولت بر خرد و تم و بموجب صاحب منصب و آغا و افراد قشون مشهور
و محسوب می باشند که کما قانونی که مقرر می شود به هیچ وجه از این حقه تخلف را ندارند

فصل دوم

عساکر دولت ایران بقیسم ختم مشینیک قسمت از آن در اروپائی که
در لحاظ نهمه و سپر مدائی که بدین تفصیل معین گشته جمع میشوند و مدت
دو سال در اروپا

[illegible]

و یکی از طرقات اردو مریضخانه و لوازم آن بدین تفصیل است

یک نفر طبیب حاذق زواری و اخلاص برایت طبای افواج مامور شود که روزی
یک دفعه با اتفاق سایر اطباء و جراحان عیادت اردو کرده و معالجاتی که کرده اند
را بیکدیگر بنمایند و پس از عیادت و اطلاع از طر معالجات آنها و یکجا جمع شده و در
دو نفر واپس از ماسر زواری و اخلاص معین مامور اردو شود

یک نفر مریضخانه از دیوان معین خواهد شد

ریس اردو و مکان مریضخانه را بقتضای طبای معین خواهد کرد

چهار نفر منزل اطباء و جراحان و افواج در جنب چادرهای مریضخانه خواهد بود
برای مریضانی فوج مستجاب چادر قندری که کباب چادر بمال در میان فوج خواهد بود

یک کباب چادر سیرتجی ای مجمع اطباء و مشاوره آنها اردو میشود

یک کباب چادر یک طبل برای واپس زردو میشود

یک کباب چادر قندری مخصوص و اخلاص

آتش چخانه با تمام ملزومات آن از قبیل چادر و یک و پنج و ظرف غیره و دو
مخارج لازم آتش چخانه از خزانه نظامیه بقتضای قیام اطلاع لکس نویس
و امضای رئیس طبای اردو داده خواهد شد و چهره مریضان و امیکه در هیچجا
نمیستند داده نمی شود

قیمت دوانی که حالا با طباء و جراحان اردو میشود باید تحویل و اساز نمود
ماه به ماه بحساب سپید کی نمایند و آنچه کسر باشد خزانه و از یکم ریال اردو خواهد بود
در شش کلیم و یک کتان از برای چادر مریض و داده میشود

برای هر چادری و نفر از همان فوج بجهت پرستاری مریضان منتخب شده نفری
علاوه بر موجب مقرر و بنام داده شود و این پستاران بجهت عوض خواهند
شد که علم پرستاری را بیاموزند و از سایر خدمات معاف خواهند بود
یک نفر نایب احوال دانی شخصی مریضخانه از جانب دیوان معین خواهد شد

که پیش از این نظام عمل مریض خانه باشد

شستن لباس و نظیف منزل رخت خواب مریض بپارستار است

و خرج شست و شو از دیوان اودمی شود

اطباءی افواج از پیر مضای اردو که مشغول خدمت دولت هستند

از منطقه که باشد باید عیادت نموده در معالجه آنها اهتمام نمایند

سالی ششصد دست پرسنن زیر جابه بطور مخصوص که معین خواهد شد تحویل

ناظم مریض خانه میشود و آنها را نشانی نمیکند که سر وقت پاره شداتقاط

آن ادا داده عوض گیرند

در اول سرور طبیب سرفروبی مریض فوج را باز ویدیکت کسی که مریضان

شدت ندارد و در ساعات درخوشان بجا بجا پرواز و آنها را که با مریض

شدید مبتلا شده اند مریض خانه نفرستند

اگر از دوا رسانی بجائی حرکت کند اطباء افواج در عرض اواز پهلوی مریضا

دور نشوند و سر یکت جبهه دوا مختصری بخورد داشته باشد که در تمام ضرورت بکار آید

صرف روشنائی برای چای در مریض ادا میشود

چای در حمام با فرومات آن در همه اردوئی و دواب

مستحق مخصوص مریضخانه با فرومات آن از قبل رسیده و یا بود در مریضخانه مرکز دولتی

در وقت حرکت اردو بجهت حمل و نقل مریض بقدر حاجت مالک گزیده شود و در

اردوئی صد بخت پالکی موجود باشد که در تمام ضرورت معطلی حاصل نشود

فصل سیم

در چهره و موجب بوس و اسلحه سایر درکات لازمه قشون ان قسمت

قسم اول در باب قشون مأمور

اولا موجب سالیانه قشون چهار قطعه و سه ماهه چار با بخت شش ماهه محلی قشون

بعد از وضع سه ماهه محلی و چار با بخت و چو خزانة نظام همه را در اردو با تحویل

تخلیه از نظامی خوانند که در دو حضور رئیس مایب و اجدان ناشی و لیکر

باجا و افزايش ثمن با تمام داده خواهد شد

مايانه دست بوس پس بن موجب داده ميشود

مهر بن ساجد خانی	مهر بن گلکدر	گلکدر	مهر بن گلکدر
دوره سال	دوره سال	دوره سال	دوره سال
کدورت	کدورت	کدورت	کدورت
برگه در دوسال	برگه در دوسال	برگه در دوسال	برگه در دوسال

مالا چه قشون به ماه يا شوا به قيمت يومية محل اردو يکدم نموده داده شود
و چه عرض به قيمت عاقله محل حرکت داده خواهد شد

را بجا بستن چي چاره از حرکت از خانه باشد

حاکم چنان اين قرار حاليه و امتحاني که شده است مال که به داشتن بر با

موجب فقره چو پس حاضر نشدن مشق خدمت خواهد شد از دولت

علي الجباله براي رادوني موافق فوج حسن از نفری پنجاه و پنج نفر شريف است

را پس نوبه قاطر و فوج شصت نفر چي پنجاه نفر شريف و پانزده را پس نوبه

و قاطر با صاحب جمعي که در اختيار ريس اردو باشد از دولت محرمت شود

در مالي قرار بن
چنان است که اگر راجي راجي بن
از جهت عدم داشت بکوت را شکر انان
اجرای بعضي تخلفات که انان بن
سوار است که بعضي از انان بن
نيه خود ريب از داشتن فقره بن
مايو راجي راجي بن
بوسيطان به شکر انان بن
سه نفری بن از انان بن
بر ان بن بن بن بن بن بن بن
شده و چي چي چي چي چي چي
مايو راجي راجي بن بن بن بن
نفری پنجاه و پنج نفر شريف
نوبه و قاطر و فوج شصت نفر
چي پنجاه نفر شريف و پانزده
را پس نوبه قاطر و فوج شصت
نفر چي پنجاه نفر شريف و
پانزده را پس نوبه قاطر و
فوج شصت نفر چي پنجاه نفر
شريف و پانزده را پس نوبه
قاطر با صاحب جمعي که در
اختيار ريس اردو باشد از
دولت محرمت شود

لایحه

که هم نمي سرباز از ولايت بار دوبا با لکپس فبا با و با نقل کند و در وقت

احضار افواج شريف با حکم احضار فرستاده خواهد شد که بن سرباز را حمل نقل

نماید و هم در ايام توقف اردو در محل سکونت قشون شول ما مورا

قسم دوم در باب ثمن و خزینه

موجب نکر مرخص خانه شش ماه داده شود و آن به دو نوع است

نوع اول در ولايتي که شش ماهه محل دارند در همان محل بنا بر سپه

نوع دوم در ولايتي که ماهه محل دارند سپه ماهه را از محل دریافت و سه ديگر را

دولت از خزینه انبار سازي نماید موجب سرتب و سرنگ شرف

ساليانه داده ميشود

برای حصول اطمینان از رسیدن موجب شش ماهه نکر مرخص خانه سه ساله

یک نفر از وزارت جنگ بهر ولايتي مامور شود که روپای قشون موجب

ابو انجمنی خود را با اطلاع و استحضار او پرداخته و با مبرک کرده بشمار کنند

اخراجات شخص مامور در خورشانی که دارد در وقت ماموریت و از جانب
 دولت داده خواهد شد و مقرر است که چه دیناری با پسم تعارف نکند و
 سه ماه قبل از رسیدن عدم خصی اردو باز وزارت جنگ قیمت اوج
 که باید بهار و دینی مامور شود با افواج مرخص خواهد شد و میباید آن
 افواج بعد از حاضر شدن یا دو برچرخ و برای سپان اوان که شرف سیوریت
 عرض داده و غیره در محل توقف خود معطل نشده روانه محل ماموریت شوند و با
 چنان گت کنند که در روز موعود اردو باشند و اگر تعویق تاخیری در
 آن بود بهر سبب اگر از حکومت شده است بر حاکم که چهره علاوه بر چرخ
 از خود کار سپاری نماید و اگر از صاحب ضبانی نشو نیست تنبیات مقرر در
 فصل تنبیات در حق نماجری میشود **فصل چهارم**
 در وضع کردن وقت سفر و فراری آن مشتمل بر سه ماده است
ماده اول

ممنوع

بهترین وضع کردن وقت سفر و فراری آن مشتمل بر سه ماده است و ما دام که قرار آن بحکم
 رسید است موقوفه قرار گرفتن وقت و مقبض کردن آن باین طور مقرر است
 که صاحب منصب مرفوع با حاکم آن ولایت بر ضای ملک و ارباب که خدا
 بتصدیق صاحب منصب کسر نفری سپرد باز اموالی معمول ولایت گرفته
 و باید که خدا و ملک الترام سپرده ضامن با واری سرباز نشوند باین معنی
 که سربازان که از بازده تومان علاقه داشته باشند و از جانب ولایتی دولت
 حکم عمومی بحسب حکام صادر شود که اگر سرباز از ولایتی بولایتی و یا از دی به
 فرار کند بجنس افسار صاحب منصب ملک و نمایندگی آنها بدون مطالبه حکم
 سرباز گرفته است صاحب منصب ملک سپارند و در سرقیه سرباز
 فرار برانکا چار و خود او را بسبازی خواهند برد و چنین مقرر است که اگر باین
 بخواهند باین چرخ خود را از دی به دیگر سبب و که خدا و ارباب مانع شوند
ماده دوم در باب فراری

آنچه کسر بارز ولایت گرفته شود باید موافق قانون قوه فوق باشد و آ
 فراری نخواهد شد و بعد از این هم سرحد عرض غایب و متونی گرفته شود تا وقتی
 که اجسد ای تحریر نموده شد است همان قاعده با ضامین می آید بود و از این حکم
 مستثنی نخواهد بود و احدی از آنها و پس از خواهر و برادر یا بیعتی یا خراسانی
 اما سر باز که حال موجود است چون غلبه اکثر باریق بعد گرفت نشد است و ضامین
 ندارد قاعده قشون از بیعتی که عود و طلب است نه برای هم فرار آنها حکم
 جانب دولت صادر خواهد شد و بچشم بسته و بدان ملک محروسه که سر باز
 دارند اعلام میشود که اگر پس باری از او یا از سر خدمت قواولی ساحل بیجا
 قرار گشت کسان ضامین و بعضی اطلاع اگر بخانه خود آمده است بجهت دوست و
 راضی که در عداوت هستند و اگر نگردد بجا حکم ولایت اطلاع دهند که او را
 گرفته و جو پس سازد اگر در این فقرات احوال نمایند از جانب وزارت به محصل
 خواهد شد که خانه سر باز فرار از سر باز کرده و مشورت کشانشان خواهند بود و در

سابق مت باشد تا سر باز را همیشه بدست آورده و بصاحب منصب آن محقق
 یا حکم ولایت پس از آن بعد از آن هم بر عهده وکیل اول افواج است که بفرمان
 کردن سر باری فرار بر سر دست خود و او بر سر سنگ سر سنگ بر سر است و بر سر
 کل اعلام میداد و نیز وزارت جنگ اخبار کند که همین حکم را در باره سر باز
 فراری نیز دارند و این اعلام وکیل اول سر دست و اعلام او بصاحب منصب
 بر نگه دارند و باید بوجوب نوشته و تاریخ روز و ماه باشد یا بطلی که یک
 از اخبار کنندگان این پسند خود از بزرگتر خود نوشته رسید بکند و اگر یکی از
 این پسند اعلام کنندگان سال از او ای تکلیف خود ننموده باشد و چیزی بر
 بنام و فی الفور معلوم شود و نه از خلاف از سر برود تا سلطان است
 که تا حضور پیران در جای او بکار پس باری شود که در
 داده سیم در باب **تخت سرباز**
 قرار مدت خدمت پیران را دولت در ده سال مقرر خواهد داشت و بچشم که در

قرار داد که باید دو سال و پسا از آن دو سال و سه مرتبه عوض شود شش
 سال از او و پانی شش و سه مرتبه شش و شش قرار لی باشد و چهار سال
 در خانه خاندان بود بعد از آن هر فصل بدی خوانند شد و ثبت اسامی آنها
 لشکر سپرد و خواهد شد که در مقام ضرورت معلوم باشد و برای اجرای این
 قانون هم بر رعیت که ترقیه تحصیل بر کی وار و نیاید هم عسا که دولت یکینه
 عوض وجه بد نشود و در اول امور است که مر فوجی احضار شود و رسیدگی خواهد شد
 مرتبه رفتاری و معیوب میسر فضا باشد از وزارت جنگ معلوم خواهد شد که
 آنها را با عاده متفرقه کرده و بفرستند و بعد باقی نمایند و پیر و پسر فضا فضا
 اخراج نمایند و بعد از آن هر سال یک مرتبه از فوج مرخص خانه را از سپاهان
 بی یار و عوض متوفی و پیر و میوب و پسر باز آتی که مدت خدمت آنها تمام شده
 متفرقه کرده شود که در وقت فوت اجساد آنها بی بار و با کم و کسر و متوفی شده
 باشند و از دولت برای مراد و بی کینه سر رشته و از مخصوص منسوب باشد

از پاره و پسا که شده
 به شش و سه مرتبه
 فضا و عوض شده

که اسامی فوجی را ثبت نماید و تاریخ برت برای هر یک از آنها و افراد
 افواج را ضبط کند و تعیین و تبدیلی که اتفاق افتد و بعد سال بسال از وزارت
 جنگ به دیگر سال قبل از رسیدن عدد از این هر سربازی صورت اسامی
 سرباز و پدر و ولایت و قریه آنها از وزارت جنگ به دیگر عوض آنرا از اصل
 هر یک گرفته اند و در ساله تا وقت ضرورت مندرجین از این باشد و مندرجین

فصل عجم

در تعیین هر سه نظامی با چپ و از مأمور و از اخلاص که مخصوص تبیین و تربیت
 پادشاه نظام و قوتخانه باشد و در ابتدای بنای رسته و بعد از آن با اتصال به
 عد و شاکر و آن و گنی که از نو و نفر نباشد که عد و سالی نفر و اخل و رسته
 تربیت شده و اخل نظام شوند و علاوه بر این از صاحب منصبان و دوی نظامی
 در نزد معینین بخار و زنجی و مساحت بعد از مشق در بر نظامی تمام نمایند و
 همه سپاه از پادشاه و نفر تا پست نفر از اولاد و نجبا و صاحب منصبان و خط بر

تعلیم علوم نظامی و امور تربیت شوند

فصل ششم

در تعیین مصیقت خانه عسکریه است که مرکب باشد از پست و نفع اعظم نظام
و غیر نظام بر حسب اشخاص و صلاح دید وزارت جنگ و عوارض و مراتب
نظام مقررات را بعد باشند

اولا سواسی جمعه و دو شنبه و ایام متبرکه و محظوره بالا پست برادر عقل فتونی
گفت و کرده حاصل مجلس را در آخر هفته بوزارت جنگ عرض کنند -

ثانیاً روزنامه فتونی که از اردو با دو لایات نوشته جاتی که در باب عسکریه
بوزارت جنگ میرسد بجا پس بند که آنچه در مجلس انشده گفتو نمائید و خبر
وزارت جنگ رسانید اگر تغییر مقتضی لازم باشد و او بعد از عرض
مخبر نمایان حکام آن اصادره نموده و فوراً بعد از مصلی اردو با دو لایات بنشیند
ثالثاً در کارشون اگر چیزی بپاشد بن سده که موجب فساد است حکام نظام

نوروز

امور فتونی سفید فایده و صرفه برای دولت باشد بپایند و شش یکت و در جنگ
وزارت جنگ برسانند

رابعاً ثبت و امر و احکامی که بجهت امور فتونی صادر میشود و همچنین تاریخ حرکت
سکون فتونی از خارج برست را بر سر بار از ضبط نموده و نگه دارند و در موعده آن حتماً
واقع شود

و مقررات که این مجلس در دو جانب فتونی یکی در طهران دیگری در تبریز
در جمیع مجلس منعقد و در تبریز مجلس منعقد و در طهران باشد

فصل هفتم

ساعتی اسامی نظم و اتصال سیم گفتار از اردو با پای شت حسابان
باب دوم

در تکلیف نوکر و آن مشتمل بر چند فصل است
فصل اول

در تکلیف زیر جنک بعد از جنگ که احکام و قوانین این کتاب بهر حال
اجرا دارد و نقطه و نکته آنرا از اصل و متروک نگذار و در نظم و مشق و مراقبت
قشون خود را آسوده نگذار و کمال مراقبت و نظم تو بخانه و قورخانه و جبهه خانه
و صاحب منصبان آحاد و افراد لشکر و توپچی و قورخانه چی و سرباز و سوار و اهل آوار
و مواب و موبین سپه و رسات سائر در رکات عسکریه را از وقت و موقت
نگذار و نگذار و که هیچکس از احبار و ارباب متقدم قشون از تکالیف و عادت
مخصوصه خود سال خلعت نمایند از اخلاف و عدول و رز نه تکلیف و رز نه
که پا و دشمنی است از این خلعت و خیانت هر کس با خیانت و تر است بهر
لازم است بر وزیر جنک که همیشه بهر کج که باید و شایسته از طریق و ملت قشون اجرا
و عدم اجرا قانون اطلاع داشته باشد و در سار و دنی قانون را چنانکه
که تصریحات مردم باشند احوال مرکزی از یکجا بهر خبر و رفت
نمایند از روی صداقت و وزارت جنک اجرا کنند

بر وزیر جنک لازم است که دو سال یک مرتبه و واه قبل از انقضای موعده را و آ
ار و دنی آدمی از یک کار را این شخص امور کند که در وقت مرضی قشون را و
با صلاح رئیس را و دیگر و کسر و سوان قشون را و رسیدگی کند و صورت کس
کسر و تنه های قشون را و در و از حالت را و و صاحب منصبان کل و خبر
اطلاعات لازم تحصیل نمود و ملاحظه نماید که قوانین و مقررات نظامیه که از هر
شده و یا خلعت و احوالی و دنی او است که در شش اجرا و خبر و وزیر جنک
اطلاع یابد از وزارت جنک بمقتضای این چارچوب و منتهی خلعت که در شش

فصل دوم

در تکالیف و ساری اردو

رئیس اردو باید قشون اردو را بی حقیقت چکاند اردو و در مشق و تربیت آنها
سایه باشد و در وقت و سرباز و توپچی و در دست باید هر روز و در حاضر
ساز و کرد و روزهای جمعه و ایام تبرک و مخطوره را تعطیل و مستراح بدین اتی و قضا

باید شوق و تعلیم باشند و اغلب درها در میدان شوق حاضر باشد که بخواهد
و بدش افروغ و پوی می کند و در شوق و تسلیم ناسحق نماید و رسیدگی
مقنن کرده و رکادار اسپاسب آنها خرمی تقو و شده باشد و قرار ابر حقان
آن که کما اسپاسب خرمیه که در بارها غارت برده

43

چند نفر آدمای نیکو بخت را به پیکر کافورن ارباشه و مراقبت نمایند
که اگر کسی بختی نترسد و خود را رها کند و یا تخلف از قانون کند بچه و متوکل
ناید فوراً بر تیسارده اعلام کنند

بختی تیسارده دوست که مراقب باشد تا لیلی که برای حبس و حبس
لشکر نوشته شده ترک نشود

در تیسارده و قه غنی کند و مراقب باشد تا اهل قشون سپهر دیوانه اتانما و اجزا
بغیر از مشایخت دولت در جای دیگر استعمال نکند و قه غنی که توکی
و سرباز کاسی از قبیل نوانی و قبایلی مشغول نشوند و آنچه متعلق
بصفت است از قبیل نقش و زنی بجای آنست که بی خیاطی امثال آن
عیب ندارد و سبب است چون سر جالبی فوج بجای آنکه مطلوب پسندیده
و تکلی برای سپه باز و نوکر دیوانه تغییر است و باید تنه شود

دواب و بار کشف یوانی را اعم از عزا و یا شکر که برای قشون میرسد و تیس

از دو غیر از اهل شل سی و رسات قشون کند و بکار دیگر اقدام نمایند و بشا
عزاده و شتر تمام نماید از احاطت تیسارده و تخلف و تجاوز نکند

بر تیسارده دوست که احتساب دارد و راسخت کند و کند از جنگ و نزاع
و قمار بازی شراب خوری دارد و بشود و اگر کسی مرتکب شود احکام شریعت
بقتضای حکم شرعی که در دوست با و جاری سازند

بناید از قشون بات حال خوش ایریایلی که بجهت معاملات دارد و قوی
جبر و تعدی واقع شود و در صورت وقوع بر تیسارده و حبس که بقانون
و قه غنی و آن حاضر پروه پوشی نکند و اگر خیری از عیالی بات یا کسانی
که بار و برای معاملات می آیند بکند و با خود و راسترو صاحبان حبس به
در سرار و ولی که فوج نمهند نباید از سر فوجی حبس و فقر با سوز و زجر که این
از دو تنج ناید و بدست علم سبب یار که همه روز علم نمهند سی آب آنها
علم و قلا پاسوز و تیسارده و موظلت کند که هم درس نمهند سی آب آنها

عمل آنرا از پیش گفته پس بگویم باینکه در میان خاستن و زنی قلمه نوری پنج و غیره
 در سار و ولی غیره عالم پیش از بقصد حق حکام شرح گذاشته شود و برین
 اردو پیش از تمام شرح شریف لازمست پس باید دل اردو را بنابر عادت
 و اردو و در اینام عاشورا بوزنم تعزیه واری فتد مکنده و در حکام مکنده
 قواعد شریعت طایفه تمام نماید و مکنده و کسی بخلاف شرح عمل کند
 رئیس اردو نباید طبع در موجب و مرسوم تشون کند بلکه تعارف ارتشون
 قبول کند و مکنده و در احدی از موجب مرسوم تشون جنب و دیاری عقد
 کند طبع کند و در مال تشون مرکب باشد و در مکنده و ال بضاعت از و دریا
 خواهد شد و مکنده و فانی بضاعت و در مکنده و را خواهد و ابطا و یکا و غیره
 مالش است و او در مکنده و بضاعت و غزل شش و در مکنده و در
 و از تکالیف رئیس اردو و در سیه کی عمل سوار است سواره دولت و حالت
 و اردو یا امور سرحدات ولایات پیاپی باشند یا متوقف مرخص خانه و در مکنده

رئیس اردو و سوار و ولایتی را که از حیثیت مسافت قریب اردو می آید
 در ایام تعلیف اخبار کرده که پس لی و در موقوف اردو باشد و چو و با
 و اسقاط اسب و سایر مدارک آنهار بتفصیل که در دفتر کشمیرین
 مواش قانونی که برای مسافرتین چو و موجب سایر منافع یا نظام
 مقررات فرود آید بنابر ساند و اسب و اسباب و اسلحه آنهار با
 و دیگر و عیب و نقص و معایب آنهار را رفع و اصلاح کند و موقوفیت
 که لباس است بجات سوار و چنانچه مقرر شده یکمک باشد آنچه که مواش
 حکم وزارت جنگ باید مورد نیاز بعمل سورت بصورت و آنچه را که باید
 متوقف خانه باشند مرخص نماید و بعد از ابراهیمی این تکالیف است اسامی
 و صورت عمل تفصیل احوال و یکمک به آنهار نوشته وزارت جنگ بفرستد
 رئیس اردو باید مکنده و در مکنده و در مکنده و در مکنده و در مکنده
 از جانب رئیس عیادت کند و هم از احوال مرصاجی باشد که اخطا آید و اند

دوست در اصل داده اند و زمانه مرضخانه را تجربه بریس برود

فصل سیم در کیفیت قیام در مکان پران و اعلام

تکلیف بر پران در مسکن است که اطاعت و زیرجنگ را با کمال صداقت
در اسی بر خود واجب دانسته و هیچ چه من الوجوه امری از امور را بعد از حدت
محل خود را از زیرجنگ پوشیده و پنهان دارند و نسبت با وصتی شخص
دارا است صرف باشند

سر روز پنج جمعی خود را بشن او دارند

روزی یک نفر روزنامه بریس برود و بخند

مرضای جمعی خود را بر مرضخانه بفرستند

بسته و دو نفر بپوشیدن اسلحه فوج دیدگی نواده اگر عیب و نقص داشته

باشد بریس برود و اعلام نمایند

مسکن در مکان فوج را استقام نمایند که پاکیزه باشد

از نسیان فوج خارج نشوند مگر بضرورتی

چگونگی از صاحب مضبان خبر و فرا جمعی خود را بخدمت شخصی موقوف

اصدی نامی توانست بدون آن دولت اخراج نمایند

مراقب باشند که چو وقت چه در مسکن کام سان چه در سایر اوقات سر باز

عوض بدل در فوج نباشد

ساعتی باشند که عجب فامده داشته باشند

اگر سر باز فراری فوج بوده باشد فوراً بریس برود و اعلام نمایند

دنیارین با پسیم ر شوه تا از کسی کمیده و نه کسی بدهند

جد و دنیارین نچره و ملجوب سر باز عین کنند

مواظبت داشته باشند که در فوج جمعی خود شراب خوری قمار بازی نشود و اگر کسی

مترکب شود حد و عقوبت بیات مقرر در برابر او جاری نمایند

در ایام حرکت در عیای عرض احوال سلوک را امری دارند و کذا از بدست

و دنیای از صاحب منصب سپردن به پستی بر جای دارد و باید
 افزون و جوی خود را از کسب و هنگی و فرووری بقالی و اشال آن منع نمایند
 آنچه متعلق نصبت است که اگر ترغیب کنند بهتر است
 باید مراقب باشند که روزنامه که وزیر جنگ یا بریس را رویدند بکلی مخفی
 و پنهان واقع باشد و در این باب جد کافی داشت باشند
 خدمات و خیانت صاحب منصبان چنانچه خود را از روی پنهانی بوزار جنگ
 و بریس رو غرض معلوم نمایند و چون دولت چنانکه خود را برای سزاقتیر
 و خیانت از سر کس که صادر شود وینست کرده است که نکات حاضر است برای
 اینکه خدمت نیز که از سر کس باشد و کند جزای یکس از آنان که مستند بوده
 هیچ مضایقه به دلالت تکلیف لازم صاحب منصبان خواهد بود که خدمت کس را
 که نامرکب آن حتی از آنجا و سر باز چه در میسر آن جنگ چه موارد و دیگر خدمت
 بر سپاند بصداقت تمام بوزارت جنگ و بریس رو معلوم نمایند که دولت

پستی خدمت را به درجه که تقصیری باشد در حق انجام و متعلق قاعدی تصور
 از آنکه که خدمت او در روز دولت قبول بلا عرض خواهد ماند

فصل چهارم در تکلیف صاحب منصبان چنانچه پناه و نظام
 تکلیف صاحب منصبان چنانچه پناه و نظام و تکلیف نسبت برینست
 بعین ناما که تکلیف پرتیب و سخت نسبت بوزار جنگ و بریس را در

فصل پنجم در تکلیف آجا و پناه و نظام
 سر فروی از آنجا و شکریه در احاطه شریعت و حامی متوسل است بلذ و با
 کمال غیرت و بصیرت قبی و دولتی که اقم گوش خدمت کند و چنانچه
 خود را به عمل آورد و در این امری خود حکم و ثابت قدم باشد و خدمت دولت
 محض و خط شریعت بکند و در زمان مهوریت از خدمت فرار نکند و بر
 مرضی از خدمت دیگر حق عرض بدل شود و تعارضی کسی به و ایام خدمت
 خود را با شوق و استیلا بر سپاند و در جنگ پشت به دشمن نماید و راجی دولت

تکلف باز نیاورد

تکلیف بسیار است که در آرد و ای شیخ ما صورتی سرحدات جزو زبانی
تقطیع در سایر ایام عوالمی جنبار نظامی برای شیخ ختم شود و در وقت شش
صحبست کند و حرفت نزد کوش خود را با او از فرماده کل فراد و در اس
خود را هیچ که در شش می بندند و پاسبان و محافظ بسیار که فراموش
نکند و حسب التمرین باید بسیار ماضی چهار فقه در هر جا باشد شش تکلف از کجی کند
بر سپار از دست که اسلحه و دیو پس فریاد پاکیزه و پیب بکار و در قریب
باشد که از اسلحه و یوانی چیزی انفعول کند که خواست آن کبر و نش و ارا و ای که
در میدان شش جنگ چیزی را اسلحه می از ضلع و کسور شود بعد از عاود
از میدان فوراً بار و ال کلین سپاهان تسلیم نماید که او تصدیق ساز و چهارم
ساز و پنج و یک که در همان روز مرست کند و سرگز مرست اسلحه خود را بر و زو
نکند از و سپه باز باید باز کردن پاک کردن تکلف را از تعلیم می آموزد و

آچار و کاغذ پر داشت که نزد یوان باید آرد و شود با خود که بار داشت باشد
که در وقت لازم تکلف اسپه باب آن چک می شود یا تکلف می کند و فرایان
کرده پاک کند و می شد براق شفاف نگاه دارد

سرباز نباید اسلحه و یوان را سرگز از وقت شش جنگ بکار و کمر استمال
نکند و با التمام باشد بعضی از آنرا مثل سرنیزه و سینه و غیره را هم از آنجا
در رکاب دارد و برای شش باشد یا در سرحدات

سرباز سرگز نباید تکلف خود را در حالتی که قرار است بر زمین بگذارد و باید
کینه و دپا بر روی آن قرار دهد بگذار و بلکه اگر قرار است یا برای پیرو و در شش
باید باشد و الا در چاقه باید باشد که سر باز مرخص که در اول ناخوشی باید
تکلف خود را بصاحب نصب خود بپارد

سرباز و یوان ناخوشی نباید سرگز اسباب و اسلحه و دست را از قفل کوب
و بمویسین یا قی و غیره از یک دست بپوشد که پوشید است یا بالا پوشش چیز

و دیگر در نزد خود نگاه دارد و هر چه است بپردازد بصاحب نصب بسیار و
 و بعد از رفع ناخوشی پس گیرد و این است هر چه عیب میکند و نقد و شود
 بر عهده صاحب نصب است و بر عهده صاحب نصب است که با خط و قلم
 این امر را بکند و اگر پیر یا فراموش کرده باشد صاحب نصب بسیار کم
 خدمت احدی از آنها و انس باشد بر اینست از خدمت دولت و هیچ صاحب
 منصبی از صاحب نصبان کل خبر و حق ندارد که پیر یا از خدمت مستحق
 امر کند یا اسباب جلال و قیام و دیگر آنچه برای صاحب منصبان میرسد
 قرائت یا دیار و قلمی که صاحب نصب تقدیر میکند بیاوردی بکند از آن
 محل عبور و مرور کند هر کس باشد باید در همان مکان ایستاده نگاه دارد
 تا هر وقت که صاحب نصب برسد و بصاحب نصب بسیار و خواه در میان
 و قرائت آنها باشد و خواه در راه و ایستادن بکند
 پیر یا در ایام ماموریت خدمت نعم از کباب یا در راهی بکند و مشق یا

پیر حیات نباید هیچ کسب و فروری بکند و غیره اشغال دارد و باید چنان
 اوقات خود را صرف تعلیم و تنبیه خدمت کند خاصه در وقتی که مجلس
 بیاسیس نظام است نباید کاری شغول باشد غیر از خدمت دولت
 پیر یا باید قدر آنکه از اعمال خلاف شرع از قبیل شرب خمر و زنی و قمار
 بازی و شرب و غیره و حتی الله و بر نماز جماعت حاضر شود
 پیر یا نباید با خود مال بپوشد و بر او جمع نباشد و اسباب و اقدار که بکند
 بفرموده و و اب و ایرانی حل است کرد

سورسات مشون ای نماز عرض او بقیه عا و له محل ماموریت است
 و او خواهد شد در مصورت پیر یا نباید از دست عرض و چیزی کنی
 مطالبه و اخذ و او که مرتبه خود را و قیمت آن را و او خریداری نماید و با
 سکنین است عرض او با کمال حسن سلوک رفتار نماید و نباید با جدی است
 و از آن بر سپاس سکنین است عرض او نیز باید با مسرور و پرور و شری

و معالجات بسیار کند و زیاده از آنچه در دوره روز قبل از نور و پس با
 میفرستند نهرو شد
 خود پسر زاده زن نیست که در منازل عرض از زیاده از ترکت شب توخت کند
 مگر در صورت وقوع مانع بزرگی از قیام شب و در آن کوکاک شد و یا
 باشد که در پیشین و منازل بل آب و آه و قه باشد و برای تیه آب و آه و قه
 امثال آنها مانند و الا بدون مانع بزرگی که در جانی توخت نمایند هر چند روز
 با نفعی سید و رسالت نخواهند داشت و او و می شود
 تکلیف سرفروزی از خواهر پسر باز است که بده در عرض سال چه قدر موجب
 و سیورسات و دیگر که و بعد پس داده و می شود و این طور که هر یک از آنها و بهر
 باید یک پست یک خیمه کوچکی با خود داشته باشد و به شرف بخاطر و مبلغ و قدا
 موجب سیورسات و غیره که از دیوان باید و بر سپ در میان نوشته شخص کند
 بعد از آن سر وقت سر چه و آن سال بسرازمند و پندوی آن اگر خوش

صاحب خط است بخاطر خوش و الا بخاطر خوش آتشهای صاحب خطی که دارد
 و الا بخاطر اولی که می باشد شرف بنویسد و اگر آنچ شرف نوشته باور شد
 فیما و الا اگر چیزی باقی مانده باشد از صاحب منصب خود مالا بکند اگر صاحب
 بگوید از دیوانی سپیده و در مطالب آن از سر شکست میباید حال کند پسران
 می تواند خرج و در بر شکست و سرتیب با یکسان نام حال کند از ده و چار که
 سران نیست و با واسطه بر می کشون آن رده عرض کند و اگر یکی از صاحب منصب
 خود را از روال کین نایب و پسر دست و دخل و تصرفی در موجب و بعد پس
 در رکات کشون کرده باشد تکلیف سر باز است که حق خود را و الا با کمال
 احترام مطالبه نماید که او را و نه نماید و الا پس چون او خود باید بجزی و یا امری
 که منافی احترام صاحب منصب است رفتار نماید بکلی تکلیف سر باز و چنین ردی
 اینست که بدون هیچ نوع بی ادبی خلاف امری نسبت به صاحب منصب
 خود در حق تعزیل او را برین رده و معلوم نماید تا ریس رده و بعضی حکمی خود

رفقار نماید و اگر از رئیس اردو تکلیفی و امری می آید آنها ظاهر شود و اجازه خواهند
داشت که شرح حال خود را نوشته توسط دفتر وزارت جنگ و مجلس
شورای نظامیه بفرستند

و باید مبرازد که اگر از دست صاحب منصب خود عرض خلاف نماید پس
که مقررات نیست با و مجری خواهد شد

تکالیف تفصیل بموجب و چهره صاحب منصبان جزو مکلفان و افراد مبراز و بزرگان
مخصوص عاید نوشته و بطبع شد و صاحب منصبان اگر دل کیلیمای می
داد و می شود که در مشقه که برای امضا و قیام داده و ذکر شود که کس
تکلیف خود را کاملاً بداند

حد و تنبیهات

تنبیهات عاده و افراد مبراز و قوی می آید به جرم و کیلیمای بد و نوع تنبیهات
شرعی است که مرتکب شود و در حکم شریعت بر آنها جاری باشد و اگر

خلاف نظامیه مرتکب شود تنبیهات منضمه نظامی و مبراز خواهد شد
اگر رئیس اردو و در اجرای قوانین بکلیه و اموری تکالیف عده خود و تربیت اگر
اردو می بخواهد مجری خود از روی غفلت و احوال نماید بعد از اثبات غفلت
و تصور او بکلمه وزیر جنگ از دست اردو معزول اندرست که دارد
یکت در بجزئیات مینماید

اگر سرتیپ یا و سرسنگها از تکالیف خود بجا نیاورند و از قیام حفظ نظم تربیت بجا
نداده و تربیت خود احوال غفلت کنند تنبیهات مبراز و بزرگان که دارند شریک خواهند
کرد و اگر نسبت بر کسی که با و سپرد داده خلاف نظامی ظاهر نمایند یا از صوره
موجب که اگر بخواهد مجری خود بخورد یا شود و رعایت رانی از آنها بکند بعد از اثبات
تقصیر از منصبی که دارند معزول شوند

اگر شد می بایست که اردو می بپوشد که شده شود و از اهل نظام مبراز می بپوشد

هر تخیله از صاحب خب که در دادن چاره موجب تقسیم سایر چاره ها
مقتضی نخواهد در داد و نخواهد در میان شکر و خواه در حالت تسخلی زیاد از
آنچه حاضر باشد قلمداد نموده باشد و زیاد از نفعی قشون ضرری نیست
که در دستگی کمال جس نفعی و آنچه حرم زیاد می کشد باشد از او تسره و جنبه
سران قشونی و یا تخیله اری بعد از آنکه از سپهر سانی که بجهت قشون تخیله
میشود کسر دهد باید داشتن قدر موجد که قشون شود و تعارفیو ریاست
کچک باید از شغل خود مفر و کشتگی کمال در جسد نماید و اگر حق کند شهادت
قیمت بیورسات از او دریافت شود
هر ماوری بها شری که قبض علی درست کند و یا شپه خاکسبی را بر آتش
ببازد کمال در جسد نماید و از نوکری اخراج شود

مراتبه و از قرضه و توکل آنکه از اشیای باطنی خود پندری سرت نکند کمال بخیر
باشد قیمت اشیای را که بر داشته و یا عرض نمود است کار سازی نماید
سر یک از اهل قنون ز غنا شخصی که در آنجا نماند است چیزی سرت نکند
سالانید و در آخر بماند و حسب تقضیه بجز و مال مسوقه را پسند
میرسد از اهل قنون که از راه مکر و زیر خمار و مشروبات خود را از اهل قنونی
و یا شهری بخرد و راه و رود و دست خطی و خواه در عاقلیت قنونی استجه پسوند
و دوست کما قنونی خود و بدست میفرستد بی پول که دست نیاید
پسند و سود و وجه نماید که بتدیه و وعده که دوستش را و اگر جراتی
رساند و یا با لاف از آن بیاید بوجب حکم شرع رها خواهد شد
مکره و از اهل قنونی و کسانی که باشد و فعل ضیعت آن مکان گردید و متعرض
آزادی پس کین استجاوشش نماید و وجه نماید و اگر کسی اسم نهوش
ضیعت آن تبیه شود

سرکه از ابل قشون بطور قطع و اسپته شود که برای دشمن جابو سیسکین حساب

مرکب از اهل تشیع خلاف حکم پسران او در مقام جنگ و یا بعد از جنگ
کسی که در محاصره قتل رسیده باشد و معرکه قاتل برسد نباید تعویب نماید

صفت نایب خواهد بود

سرکار از اهل قشون میدان جنگ بعد از محاربه بیا در وقت محاربه کسی که
از حالت قوت جنگ افتاد و دلی سست و رتی در وی باقی باشد برسد نماید
یکماه در منزل غایب بود و اگر از اردو باز آید و یا غیره امانی نگذارد
این عمل شود و مستوجب کیال حبس است

اگر از مبارزین غایب بود یا صاحب جراحان که بشکل بی دلی غایب باشد و در منزل
و یا بی اختیار از محل قتل بگریزد و یا در قورخانه و سایر مکانها
بجای دیگر رود و از دست کسی که برده اند گریزد و علقه و جیس و در جواب
و اسناد و مدارک و دلایل جلد و از دست و سایر بان غیره آنست از اهل
برگرایه از آنها بگریزد و بعد از یکماه چسپان بختب مفول شود

سر صاحب شیبی که از سپاه باز و صاحب شیب خبر شود و بگریزد و در منزل
در حضور صاحب شیبان رود و وقت بل خبر خود را از او دریافت و

توخت نماید و در وقت شانی مقابل خبر خود را از او دریافت و یک درجه از
رتبه که دارد سزل نماید

تبعیهات شیبی شون

اگر در وقت احضار سفره فرار کند یا قصد نایب بازده شود و دو سال بخت
خدمت امانی نماند و سر کسی که او را گرفته چاره و دست توان بداد و بشود
و اگر از میدان جنگ فرار کند کشتن قتل است

و اگر از اردو یا پسنگاه عرض او با موافقت بفرار کند سرکار و فرایش
بجانب و شمر است سر چه یا یکان است بختب بایشود و در وقت بختب
کشتن قتل است و اگر با نایب نکلت است یا قصد نایب بازده شود و دو سال
خدمت ختمش می افزاید و سر کسی که او را گرفته چاره و پنج تومان ستمی حق او
برسد و بشود و سر کسی که او را پنهان کند دو سال حبس و چاره بود که روز پنهان
کشتن کار و دلی باشد و شیبها و زنجیر باشد

و اگر با اسلحه مشغول گردید و یا غارتگری از او می گسند و سر
 سال بدست خدمت او نهد و می شود
 و اگر از او دانی نشد یا از کاتب یا از صاحب دوی لایق فرار کند و یا
 تازیانه می خورد و پاره و برهنه شود و اگر کسی در این میان کجکلی
 و برهنه شود و روز یا شغل لعلی کار و دلی شب با روز نهد باشد
 و اگر سر باز در وقت مشغول از طلوع آفتاب غروب روز دیگر و یا در وقت
 در پیر خدمت بدون علقی حاصل نشود و چاه تازیانه خواهد خورد
 و اگر از او دین شوق و فکده فراموشی و حکم می رسد و مشغول شغل
 صحبت با رده یا حرف بنزد پست چوب زده و بی بس و نیزند و اگر هر کس
 و تغییر در ایستادن و بدیده و چوبه گیر بر آن نهند و نخواهد شد
 اگر سر باز در شود و صاحب منصب بید و در محض شود و مساوی ایست
 بر بدست خدمت نهند و می شود

پیر باز در قراول و ساعت زیاده تر نباید بایستد و یکل و سپهر و قد بعد از دوست
 باید و را عوض کنند و اگر نگذارد و وقت بگذرد و حد تازیانه می خورد
 اگر سر باز در وقت نوبت اول خوابید یا بر زمین نشیند و یا نهد و یا
 بر زمین و یا بر کفزار که از او شش و او در چاه تازیانه خواهد خورد
 اگر سر باز در وقت موریت بکار و غیر از خدمت دولت از قبل مروری
 و کجی و کسب با درت کند و یا تازیانه خواهد خورد و علاوه که و کسب هم را و در
 اگر سر باز در بعد از اعلام صاحب منصب از اول خلعت کند و در خواب
 باشد یا در جانی و یا ایستاده باشد و حد تازیانه خواهد خورد و اگر شو و کپرد
 و از این پس کسی شب از جانی منوخت بگذرد و ویت تازیانه خواهد خورد
 اگر در او دوی جنگ باشد یا قصد تازیانه خواهد خورد و شش ماه و برهنه خواهد بود
 اگر کسی در از دست اول بگذرد از صاحب منصبان یک درباری باشد و پست
 چ تو مانای بدیده و اگر غیر صاحب منصب باشد و ویت چغنی اش می خورد

سرازمایه بعد از آنکه از آنجا حجت و آینه و درین سلاطین بجای که با آنها
نشان داده شده است برود از پیشه آهنگ عفو و غاض شود و آنهایی که
بعد از نمای و علم غایت کنند سزاوارتر و جبر نظامی خواهند بود -

و صاحب منصبانی که با آنها مشغول بوده اند و صورتی که تعیین قطعی حاصل
نشده باشد برانکه حرکت باعث عیب میان آنها نشود و در جرس
خواهند بود و اگر تعیین قطعی حاصل شود که آن صاحب منصبان حرکت داده
از منصب معزول شده یا تصدق نماید نیز در دو سال در جری نباشد
و اگر بعد از آنکه ای نعمت یافته قبل از بدایت بحرب صاحب منصبان
و تا پیشگیال در جری باشند بود و عاود بر آن بعد از پیران آن جنس
صاحب منصب یکدیگر از منصب خود تهنیت خواهند کرد و دو سال هم
بر دست خدمت تا پیران فرود خواهند شد

خاتمه کتاب که در حقیقت قوت روح خیرات مرتبه است

در امتیازات مخصوصه و پاداش و استحقاق صاحب منصبانی که از او کسب
و شایسته است و تحقیق است که حافظ و حارس مرودات و قبیله و قشون آن است
و این طبقه عاود بر محل شغل و خدمت و زحمت سفر و دوری از بلاد و احوال
و اقوام و اقارب خود جان غم و زحمت و زحمت و زحمت دولت و شرف
و رفاه و انتظام و در محنت بذل صرف نمایند پس برتری و توفیق بسیار
و اختصاص طبقت کسب بر سایر طبقات مردم و لایع عقلیه و تعلیم ثابت و
مستحل است و برای تعقیب و تشویق افراد و شکست به تزیین چهری بکار بردند
و باید بدو این است که شخص را در تمام عمر بدارند و امتیازات مخصوصه
او مستلزم آن امتیازات باشد و این امتیازات را بعد از بیانشان عظم نگاه دارند که از صاحب
منصبان بزرگ گرفته اند و شکوه و این حق خود را بر امتیازات و امتیازات
شمارند بنابراین دولت عاود قوت را که می خواهد داشت

و در سرزوری سایر طبقات که در رعیت تمام و مرجع خواهند بود

و نیز از وزارت جنگ صاحب خدایان را ترخیص است بر سر یک
 علی قدر مرتبسم و یکی آنرا حکم می تواند نمود
 و احدی آنرا امور و سپه و سیاست و موافقه بدون حکم شریع و قانون
 نظامی نیست و از ساخت
 و سوانی لایات مقرر و یوانی از سپه صادر و عوارض لایاتی و کاهشی است
 و سپه نمی تواند بود
 و در مجلس محافل معاشرت از اقوام که داخل ملک شوند نیستند
 سایر طبقات مردم برتری تقدیم خواهند داشت
 و سوانی وزارت جنگ از سایر وزارتخانه ها و حکام و مباشرین لایات
 بر آنها نیست و از کاشت
 مخارج و ملو جب و چه در کارا که از آن امور و یوانی و لایات مستم
 بر صحت مخارج دولت خواهند داشت

از تادیق سر و ارعوب و استیارات مذکور و فوق بایل خواهند بود
 سر توچی و سر سربازی که بتصدیق سرکرده و خوش شادانی و جنگ سرکرده
 در ده اول تنی شان شاد است با دو تومان عادت ملو جب خواهد بود
 و در دهانی منصب سپه جو قلی خواهد رسید
 سر توچی و سر سربازی که ایام خدمت خود را بدرتی بدون ارتکاب هیچ نوع خلاف
 قاعده و انجام رسانده اند و با خدمت جنگ امور نشانی و بعد از آن تمام است
 بعد از اختیار و شرف و اعلی خدمت شود و تنی شان با قضا و کتبه و انعام و ملو جب خواهد بود
 سر توچی و سر سربازی که تنی سر جو قلی شده باشد اگر در سه مخصوصه خود
 جای قرار می او بسر جو قلی نباشد و سه بابت دیگر برت ار شود و اگر در سه
 دیگر هم جانی باشد همان ملو جب سر جو قلی و شرف است آن تنی او بر قرار و جری
 شود تا وقتیکه جانی بجه بر قرار می سر جو قلی او بهر سپه
 سپه جو قلی با همین شرایط و همین نسبت وکیل خواهد شد وکیل همین شرایط است

وایم انیست که بعضی نشان نمره نشان مغلطاینها را دیده شود

غائب اول همان شرط و پیشی که مذکور شد پیر و تنه و سر و تنه همان برادر است
و در شود و استیار مخصوص سر و تنه است که بعضی نشان مطالب نشان

علاوه بر این و در خارج نظام در مجامع و مجالس سرستپانجام می شود
 و هر آن که در وقت و در ساعات نامان در حین نظام کرده باشد در وقت

اول صاحب شاشی و در دفعه ثانی چخاد تو باین موجب عیب اولن آید

جادو و رمان فوج و الا و سر فوجی که باشد برقرار کرد و اگر جانی برای او

جاسی ہر شے کی برای او بھرند

از تپین قیام و مرگ پس در راه خدمت کشته شود و ثواب واجب او را بر این

اولاً و باینکه کان او برشته است

یادداشتات مصاحبه با مرتضی میرزایی

مرحوم جناب میرزا میرزا محمد علی خان که خدمت جنگ نمودند و کتب خود را در خدمت جنگ کاغذها آورد و در زیر او و در جنگ کتات او را

تصدیق نمود باشد که در هر منصب افزوده شود

مرحمت صاحبی از سر سنگ تا ایر تو گنج مت مخصوصه خود را در جنگ
لعل آورده غلا و در آن مسدود جنگ زخم خورده شده باشد اقلان

مفسد در حق او مجری شود

[illegible]

مرصاحب منصبی از سرسنگ تا امیر توان که خدمات مخصوصه خود را در جنگ و
 صلح آرد و در پیدان جنگ زخمی برداشته باشد که با این اسطیک
 خدمتش نقص شود اگر بطوری نقص را اعضای او برسد که بعد از این
 بتواند مصدر خدمت شود یک درجه بر رتبه او افزوده شود و علما و درویش
 که دارای قدرتش موجب ستمی در حق او برشته شود و اگر کسی خدمت او را
 شود که دیگر شود مصدر خدمت شود و اگر خدمت باز نماند شایان آن
 و احترام در حق او برشته از خواجده و نصف موجب و راجحه ضرر نیست
 و ادام العمر و حق او مرمت خواهند کرد
 و سرسنگی که شش سال برستی مقبولیت و نظم رفتار کرده و هیچ نوع
 قاعده را از او نماند باشد و اگر سرتیب سوم شش سال
 بهین صفت خدمت کرده باشد سرتیب دوم
 و اگر سرتیب دوم چهار سال بهین طور خدمت کرده باشد سرتیب اول باشد

از

اگر سرتیب اول شش سال برستی مقبولیت و نظم رفتار کرده و هیچ نوع
 خلاف قاعده را از او نماند باشد و اگر سرتیب اول شش سال
 و اگر چهار سال امیر توان درجه سوم بهین صفت خدمت کرده باشد
 بر رتبه امیر توانی از درجه دوم
 و اگر امیر توان درجه دوم تا سه سال بهین صفت خدمت کرده باشد بر رتبه
 و اگر سرتیب اول شش سال امیر توانی از درجه اول برشته از خواجده
 و اگر امیر توانی از درجه اول بهین صفت خدمت کرده باشد شش سال
 جایون از درجه اول به مرمت شود
 و مرصاحب منصبی از سرسنگ تا امیر توان که در راه خدمت کشته شود و شش
 موجب و راجحه از نماندگان و اهل ستمی مرمت نمایند
 پادشاه شش شوقا حاکم و شش شوقا حاکم
 قسم اول

اگر سرداری شش اشکست به دوان شش شش منظم و قوتش زیاد و از
قوتش حتی آن سردار باشد و اراده و شیت خداوند متعال حق پر علم
و رشادت آن سپه دار را بسیار فتح فرموده باشد و صاحبان علم نصیب
برصورتی عدم سهولت شش نمایند با عطای استیارات وین قرار خواهند
اگر شش حکمتی کرده است و القاب آن سردار پیش آن فتح نسبت داده شود
ما دام العمر و غضب و بی التفاتی که اذیت بدنی باشد یا ضرر مالی یا
افضاح باشد نخواهد شد

در احکامات و تشریفات بسیار هم شناسایی و مقدم خواهد بود اگر
در این شش دیگری هم صاحب این امتیازات شده باشد هر یک پیشترین
خدمت را کرده باشد و مقدم خواهد بود
اگر سرداری و توفیق برای سکرانی داده و آن شش بدار است منصب
سرداری ای او دمی خواهد شد

از اجزای شورای اقلی و امور واحد خواهد شد

موجبی که بازاری آن فتح اخلاص کرده است نصف آن به پشت در حق
اولادش تسری خواهد شد و اگر موجب اراده و خلیان نخواهد داشت
اولاد او اگر استعدای نوکری نمایند و این پختاید قبول فرموده و شش
لیاقت و شان آنها منصب و مرتبه میسر آید و توجه مخصوصی حق آنها
خواهند فرموده و اگر یک چنانچه آنها جدا و ضعیف رسیده باشد

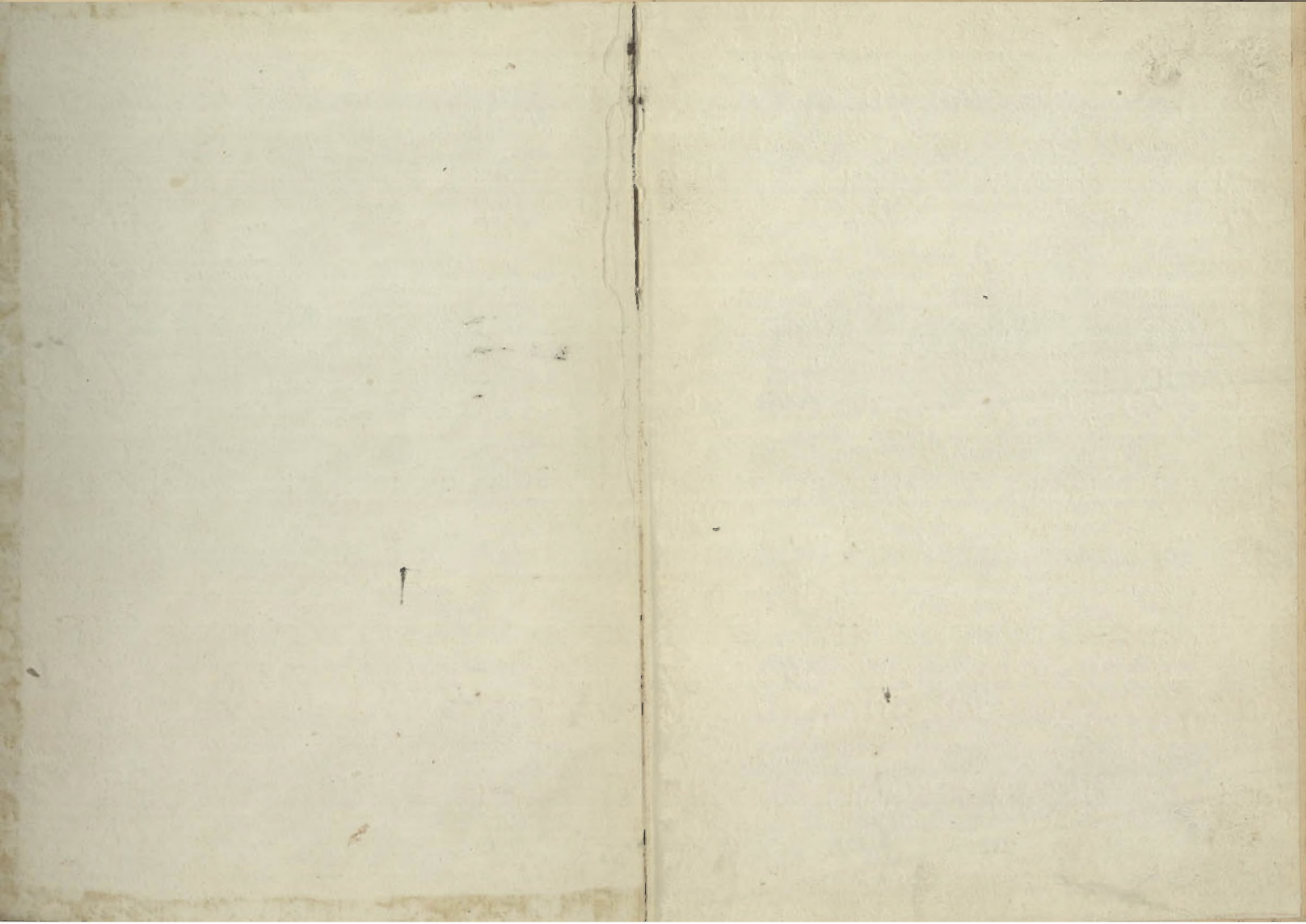
در امری شش در جبال که مقررات خواهد شد

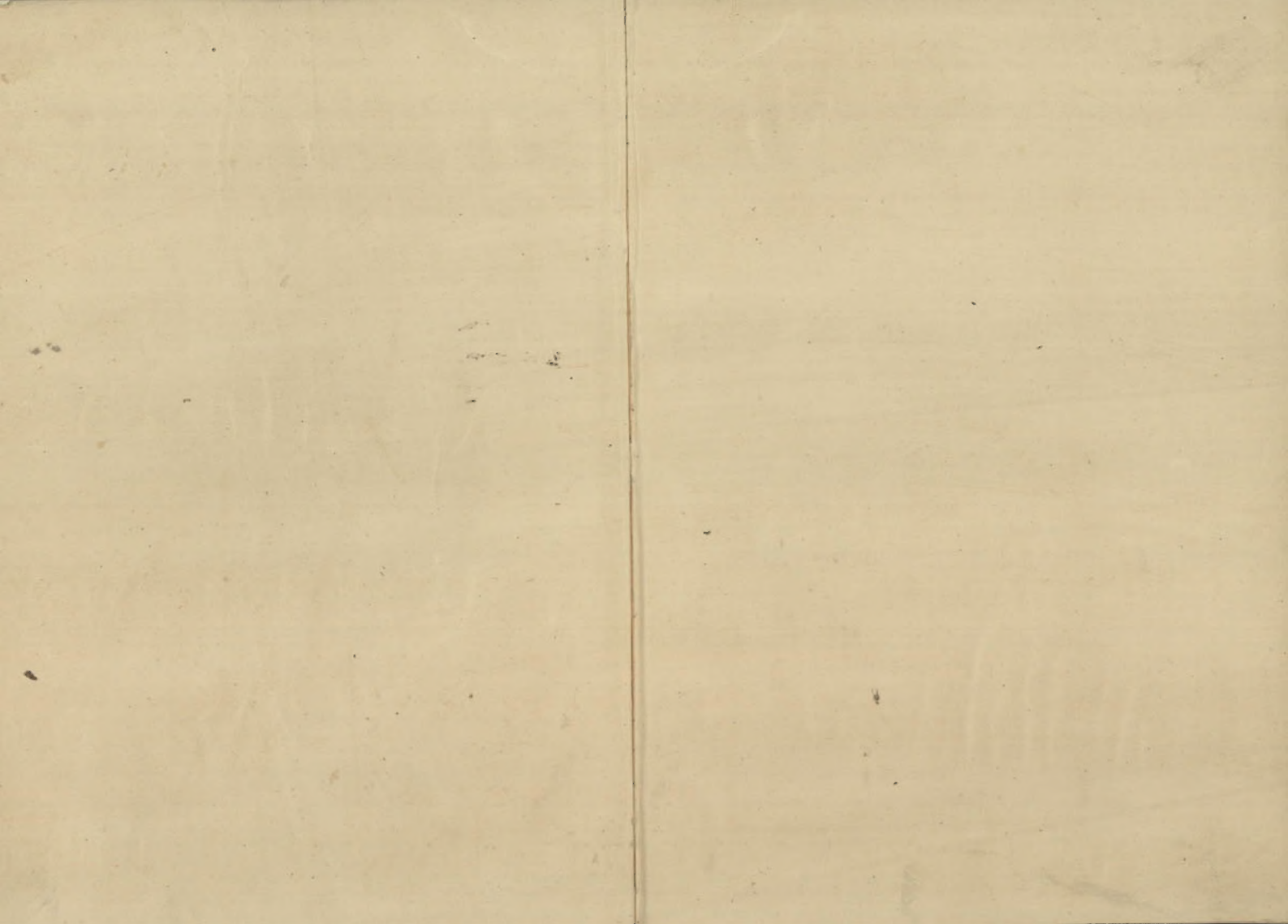
قسم دوم

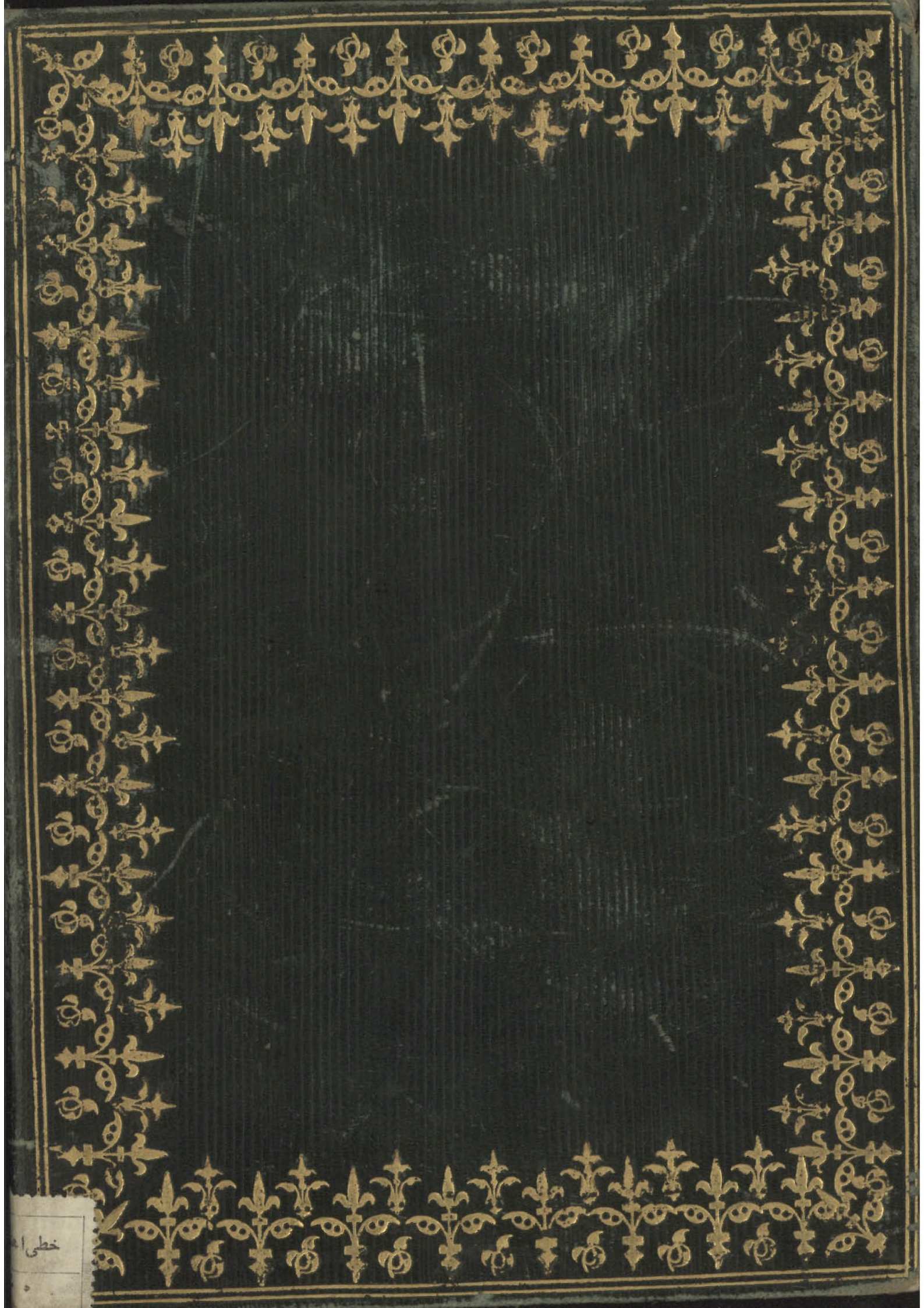
هرگاه طرف مقابل قوت منظم باشد و قوت و قدرت و شش بشود و حتی
آن سردار مساوی باشد و این صورت از این قرار است بسیار مرتبه
اگر حکمتی را فتح کرده است و القاب آن سردار پیش آن فتح نسبت داده شود
در امتیازات معاشرت مطلقا بر هم شناسایی و مقدم خواهد شد

اگر دیگری هم صاحب این نوع فتح باشد هر یک بحسب آن قدم نشاندند و قدم
 بر منصبی که دارد یک درجه افزوده میشود
 اولاد او هر وقت شد عانی گری دولت را نمایندگی قبول میشود و اولیای
 دولت در زینت اولاد او توجیه مخصوص انداخته نموده
 آن بواجبی که مستحکم بجنگ داشته است اگر استغفار خدمت کند یا در
 خدمت دولت وفایا بدین نشان اولادش بصید ستری محبت میشود
 نشان درجه اول او محبت میشود
قسم سیم
 اگر قشون دشمن منظم است و قوت او کمتر از قشون جمعی آن سردار است چنانچه
 که در حق او برتر میشود این قرار است
 اگر فتح حکمتی یا قلعه را کرده باشد آن فتح با سپهر او خوانده میشود
 نشان درجه دوم باو داده میشود

یک درجه بر منصبی می افزاید که جاذبه داشته باشد سر قدر موجب درویشان
 افزوده میشود پس وفات یا استغفار از خدمت یک ربع از موافقین
 اولادش برقرار میشود **قسم چهارم**
 اگر قشون غیر منظم بوده باشد و قوت آن قشون از قوت قشون جمعی آن در
 ریا و بود یا مکان دشمن صعب و سخت بوده که آن نیمی سبب آید قوت
 دشمن بشود امتیازات قسم سیم تا محبت میشود
 اگر قشون غیر منظم باشد و قوت او کمتر بود و پسر و آرا نهاد اشکست به
 اگر شکست فاش باشد از قشون دولت کمتر از اندازه آن کلاف شده باشد
 از امتیاز محبت میشود
 یک درجه بر منصبی افزوده میشود
 برسم شانهای خود تفویض خواهد داشت
 یک قبضه شیر کل مرصع باو محبت میشود







خطی ۱۰